

## نگاهی کوتاه به وضعیت روزنامه نگاران و مطبوعات مهاجران افغانستانی در ایران

• مهدی جعفری خانقاه\*

دیگر ایران، تکه پاره شده‌ای از این سرزمین افغانستان نام گرفت. بهر تقدیر آن‌ها به اجبار آمده بودند تا دوره مهاجرت را پشت سر نهند و دوباره به آغوش دیار خویش بازگردند. حضور مهاجران افغانی در ایران نزدیک به سه دهه به طول انجامید. اینان در این سرزمین به رسم کیش و آئینی که از همین دیار به ارث برده بودند، نسبت به حفظ هویت و باورهای فرهنگی و دینی خود بی تفاوت به نظاره نشستند و طی این سال‌ها تلاش‌های پیگیر و چشمگیری را در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی از خود نشان دادند.

براساس تحقیقاتی که انجام شده<sup>۱</sup> مهاجران افغانستانی در ایران از سال ۱۳۵۸ به این سو بیش از ۳۰۰ عنوان نشریه فارسی زبان به چاپ رسانده‌اند و نیز ۱۰۰۰ عنوان کتاب به زیور طبع آراسته‌اند و هم‌چنین ده‌ها مرکز فرهنگی - اجتماعی تأسیس کرده و گردهمایی‌های گوناگونی در ایران برگزار کرده‌اند. افزون بر آن بیش از ۴۰۰ عنوان نشریه به زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران در سراسر جهان به چاپ رسانده‌اند.

وقتی خط سیر گرایش فکری نشریات مهاجران افغانی را از آغاز تا کنون دنبال کنیم، خواهیم دید که دو جریان همواره بصورت دو خط موازی در کنار یکدیگرند. نخست جریان اصلاح طلب (روشنفکرانی که در پی اصلاح در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، دینی جامعه خود بوده و اعتقاد به حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش داشته‌اند و ندای به رسمیت شناختن آزادی‌های مشروع مردم را می‌دهند).

دیگری جریان اقتدارگرا (سنت‌گرایان و متحجرانی که به حفظ وضعیت موجود می‌اندیشند و برای رسیدن به قدرت، دست به هر اقدامی می‌زنند. اعتقادی به حاکمیت مردم و به بار نشستن نظام مردم‌سالاری نداشته و قواعد بازی را آن‌طور که خود می‌خواهند، تعیین می‌کنند).

هرچند که جریان اقتدارگرا، طی سال‌های گذشته حاکمیت را در افغانستان در دست داشت و مطبوعات خود را در ایران و سایر

با کودتای ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ که منجر به روی کار آمدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان گردید و متعاقب آن اشغال افغانستان توسط نیروهای ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق و بروز کشمکش‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی که امان را از مردم ربوده بود، مهاجرت به مثابه تنها راه گریز از این وضعیت بغرنج به حساب می‌آمد.

زمینه‌های مهاجرت در سال ۱۳۵۸ پدید آمد. با شروع فصل مهاجرت عده زیادی از مردمان عادی که پیشه‌ای جز کارگری نداشتند، رهسپار کشورهای همسایه از جمله ایران شدند تا بلکه مأمونی برای خانواده خود برگزینند.

در میان مهاجران افغانستانی طیفی از نویسندگان و هنرمندان، اندیشمندان و روزنامه نگاران، دانشجویان و روحانیون و سران برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی - جهادی وجود داشتند که برای آنان نیز راهی جز مهاجرت باقی نمانده بود.

با حضور مهاجران افغانستانی در ایران، ناگزیر عده زیادی از آنان برای تأمین معاش خانواده، روی به مشاغل سخت و دشوار می‌آوردند، کارهایی که غالباً کمتر کسی تن به انجام آن‌ها می‌داد.

این باور در میان مردم که مهاجران افغانستانی جز انجام کارهای سخت و طاقت فرسا کار دیگری از دستشان ساخته نیست، قوت بیشتری پیدا کرد و خواسته یا ناخواسته ذهنیتی در حد انسان‌های مفلوک و در بدر که فقط خداوند آن‌ها را برای کارگری خلق کرده شکل گرفت. مهاجران افغانستانی فارغ از جغرافیای سیاسی، خود را متعلق به جغرافیای فرهنگی این مرزوبوم می‌دانستند و برایشان غیرقابل قبول بود که در سرزمین مادری خویش مورد بی‌مهری قرار گیرند و احساس غربت کنند. بخصوص اقشار فرهنگی این جامعه که رویارویی با چنین وضعیتی برایشان سخت و گران می‌آمد. ما فراموش کرده بودیم که افغانی‌ها قبل از آنکه همسایه دیوار به دیوار ما بشوند، متعلق به این دیارند، ولی از بد روزگار مانند بخش‌های

کشورها تقویت و گسترش می‌داد. اما این جریان با توجه به تندروی‌هایی که برخی از سران آن‌ها داشتند با تحول دنیای جدید و رویگردانی مردم از آنان در مسیر اعتدال و میانه‌روی قرار گرفته و سعی در تغییر خط مشی مبارزه مسالمت‌آمیز و دموکراتیک برای رسیدن به قدرت و تغییرپذیری در الگوی فکری خویش هستند. رویه‌ای که درست پس از سقوط دولت طالبان و روی کار آمدن دولت حامد کرزای در افغانستان شکل گرفت.

یکی از ویژگی‌های نشریات مهاجران افغانستانی در ایران حضور متنوع و متکثر آن‌ها است. گرچه تا حدود اواخر دهه ۶۰ اغلب نشریات افغانستانی صبغه سیاسی داشتند، اما بعد از آن شاهد تخصصی شدن نشریات و رویکرد جدید آن‌ها به مقولات فرهنگی - اجتماعی هستیم. به طوری که طی تقسیم‌بندی موضوعی می‌توان به نشریات احزاب و گروه‌های سیاسی - جهادی، نشریات دانشجویی و روشنفکری، نشریات فرهنگی - ادبی، نشریات ویژه زنان، نشریات دینی، نشریات کودک و نوجوان، نشریات ورزشی اشاره داشت.

از نظر نباید پنهان داشت که رویکرد موضوعی نشریات بی‌تأثیر از رویدادها و مسائل افغانستان و مهاجران افغانستانی نبوده است. نکاتی که به اجمال به آن‌ها اشاره شد، تصویری کلی از وضعیت مطبوعاتی مهاجران افغانی در ایران بود. گرچه روزنامه نگاران افغانستانی در ایران در حاشیه بودند، اما این دلیلی برای ادامه حضور آنان در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی نبود و آنان در این سال‌ها توانستند تجربه‌های گران سنگی را بدست آورند از جمله:

- کسب تجربه و آشنا شدن با شیوه روزنامه نگاری مدرن

- آشنایی با قوانین و اصول روزنامه نگاری حرفه‌ای

اکنون که در افغانستان نسیم آزادی وزیدن گرفته، بسیاری از افراد حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای وارد عرصه روزنامه نگاری شده و به راحتی توانسته‌اند نشریه منتشر کنند. بطوری که در حال حاضر بیش از ۳۰۰ عنوان نشریه در افغانستان در حال انتشار است.

اما در این مسیر مطبوعاتی باقی می‌ماند که رعایت شیوه و اصول روزنامه نگاری را یک اصل بدانند و به لحاظ مالی نیز تأمین باشند. در غیر این صورت آن نشریه به محاق تعطیلی گرفتار خواهد آمد. تقریباً همان چیزی که نشریات در ایران با آن دست به گریبان بودند و بصورت حرفه‌ای فعالیت مطبوعاتی خود را دنبال نمی‌کردند. با این شروع، بد نیست که اهم مشکلات روزنامه نگاران افغانستانی را مورد بررسی قرار دهیم.

مشکلاتی که روزنامه نگاران افغانستانی در ایران با آن روبرو بودند عبارت‌اند از:

۱. نبود پشتوانه مالی و فروش پایین نشریه

۲. مشکل حقوقی برای دریافت مجوز انتشار نشریه در ایران (بنابر این بسیاری از نشریات بصورت پنهانی و محفلی به چاپ می‌رسید).

۳. رعایت نکردن شیوه و اصول روزنامه نگاری

۴. نداشتن جا و مکانی برای انتشار نشریه

۵. نداشتن اجازه فروش نشریه در کیوسک‌های مطبوعات

۶. موازی کاری برخی نشریات

۷. کیفیت پایین محتوا و چاپ نشریه

ذکر موارد فوق باعث آن نمی‌شود که ما همت و تلاش روزنامه نگاران افغانستانی (خواه موافق یا مخالف) را در انتشار بیش از ۳۰۰ عنوان نشریه آن هم در شرایطی که از هیچ‌گونه حمایت مالی و معنوی (منظور نشریات غیر سیاسی و جهادی) برخوردار نبوده، نادیده بگیریم و توانایی‌های آن را به بوته فراموشی بسپاریم. بخصوص آن دسته از روزنامه نگاران افغانستانی که تمایل به حوزه فرهنگ و مباحث روشنفکری که ارتباط نزدیک با آگاهی و بیداری مردم کشورشان داشت، از هیچ کوششی برای انتشار نشریه خود فروگذار نکرده و حتی برای به دست آوردن مبلغی ناچیز سخت‌ترین کارها را انجام می‌دادند تا بتوانند بخشی از هزینه‌های کمرشکن نشریه را تأمین کنند.

روزنامه نگاران افغانستانی تنها با عشق و علاقه تمام این مصائب را به جان می‌خریدند تا حداقل بتوانند سهمی در آگاهی و هوشیاری ملت خود داشته باشند.

وقتی با یکی از روزنامه نگاران روحانی افغانستانی که از اعضای شورای سردبیری مجله سراج چاپ قم (یکی از مجلات تحقیقی در حوزه فرهنگ و اندیشه) در دهمین جشنواره مطبوعات آشنا شدم، در خصوص چگونگی انتشار نشریه از وی پرسیدم و گفت: این نشریه که در برخی موارد مطالب آن به ۲۰۰ صفحه می‌رسد با همکاری ۳ نفر آن هم بدون هیچ‌گونه تحریریه‌ای تنها در منزل منتشر می‌شود.

از این دست نشریات وزین و تأثیرگذار که بدین شکل چاپ می‌شوند بسیار است.

دو سال پیش که تحقیقی پیرامون مطبوعات مهاجران افغانستانی در سراسر جهان انجام گرفت، هرگز به این نمی‌اندیشیدیم که مهاجران افغانستانی تعداد ۶۰۰ عنوان نشریه فارسی در سراسر جهان منتشر کرده‌اند که از این میزان ۲۳۲ عنوان آن را در پاکستان و ۲۰۱ عنوان را در ایران به چاپ رسانده باشند.

به لحاظ پراکندگی جغرافیایی از مجموع ۲۰۱ عنوان نشریه منتشره در ایران بیشترین نشریات با ۶۲ عنوان در مشهد، ۵۹ عنوان در تهران و ۴۳ عنوان در قم توسط مهاجران افغانستانی به چاپ رسیده است. مابقی نشریات به ترتیب در شهر ری با ۳ عنوان، اصفهان با ۲ عنوان، شهرهای زابل، ساوه، شیراز و یزد هر کدام با یک عنوان از کمترین فراوانی برخوردار بودند. مکان ۲۸ عنوان از نشریات نامعلوم است.

از مجموع نشریات منتشره در ایران موضوع یازده عنوان از نشریات اختصاص به زنان و ۸ عنوان آن ویژه کودکان و نوجوانان

افغانستانی است.

اما از میان احزاب و گروه‌های سیاسی و جهادی که منشأ ظهور و بروز نشریات متعددی بودند، سه حزب معروف و با سابقه افغانستان یعنی حزب وحدت اسلامی افغانستان با ۲۲ عنوان، حزب اسلامی افغانستان با ۱۱ عنوان و جمعیت اسلامی افغانستان با یازده عنوان بیشترین نشریات را منتشر کرده‌اند.

اگرچه مطلوب این بود که می‌بایست آمار تمامی نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی مقیم ایران را ارائه می‌دادیم، ولی علیرغم سعی و تلاش وافر و جست‌وجو در آرشیو شخصی افراد و مراجعه به دفاتر احزاب و نشریات افغانستانی و هم‌چنین دسترسی به مقالات و کتاب‌های مختلفی که می‌توانست راهنمای خوبی برای این موضوع باشد، فقط موفق به شناسایی ۲۰۱ عنوان از نشریات گردیده‌ایم.<sup>۲</sup>

مسلم اینکه آمار بدست آمده، در برگیرنده تمامی نشریات منتشره در ایران نیست و نظر بر این است که تعداد نشریات فراتر از ۳۰۰ عنوان نشریه باشد.

با توجه به اینکه بسیاری از دست‌اندرکاران و روزنامه‌نگاران عرصه مطبوعات افغانستانی، ایران را ترک گفته و عازم دیار خود شده‌اند، هنوز هم تعدادی نشریه توسط علاقه‌مندان و روزنامه‌نگاران جوان افغانستانی در ایران به چاپ می‌رسد که در اینجا به مشخصات شناسنامه‌ای تعدادی از این نشریات اشاره می‌کنیم.

۱. کلکین، سال تأسیس: ۱۳۸۳، محل نشر: اصفهان، صاحب امتیاز: دانشجویان افغانی دانشگاه اصفهان، مدیر مسؤول: رضا میرزایی، سردبیر: محمدعلی حیدری، روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی.

۲. تجارت و اقتصاد، سال تأسیس: ۱۳۸۲، محل نشر: تهران، صاحب امتیاز: وزارت تجارت دولت اسلامی افغانستان، به ابتکار: بخش تجاری اقتصادی سفارت افغانستان در ایران، مدیر مسؤول: حاج احمدکمیل، مدیر اجرایی: ضیاء الحق نجیبی، روش: تجاری - اقتصادی، ترتیب انتشار: ماهنامه.

۳. خطاسوم (ادامه مجله معروف دُردری)، محل نشر: مشهد، صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی دُردری، مدیر مسؤول: محمدجواد خاوری، سردبیر: سیدابوطالب مظفری، روش: فرهنگی، ادبی، هنری، ترتیب انتشار: فصلنامه.

۴. وفه، سال تأسیس: دوره جدید ۱۳۸۲، محل نشر: تهران، صاحب امتیاز: مجمع فرهنگی انقلاب اسلامی افغانستان، مدیر مسؤول: محمد حسن جعفری، روش: سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، خبری.

۵. طراوت، سال تأسیس: ۱۳۸۱، محل نشر: تهران، ناشر: مؤسسه فرهنگی - هنری آفتاب، مدیر مسؤول: محمدکریم مرادی، سردبیر: محمد امین زواری، روش: کودک و نوجوان، ترتیب

انتشار: ماهنامه کودکان و نوجوانان افغانستان.

۶. پامیر، سال تأسیس: ۱۳۷۸، محل نشر: تهران، مدیر مسؤول: زیبا مزاری، نشریه دانشگاهیان افغانستان در ایران، روش: اجتماعی، فرهنگی، سیاسی

۷. نسل امروز، سال تأسیس: ۱۳۸۲، محل نشر: تهران، مدیر مسؤول: فرید خروش، سردبیر: محمد علی واعظی، روش: سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ترتیب انتشار: ماهنامه.

۸. فرخار، سال تأسیس: ۱۳۸۲، محل نشر: تهران، صاحب امتیاز: خانه ادبیات افغانستان، مدیر مسؤول: محمد حسین محمدی، سردبیر: محبوبه ابراهیمی، روش: ادبی - هنری، ترتیب انتشار: فصلنامه.

۹. هجران، سال تأسیس: ۱۳۸۱، محل نشر: ساوه، صاحب امتیاز: ذبیح‌الله حسین‌علیزاده، مدیر مسؤول: عبدالصیر عطایی، هروی، سردبیر: محمد یوسف عزیزی، روش: فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، ترتیب انتشار: ماهنامه.

در پایان جالب است بدانید که در نمایشگاه مطبوعات مهاجران افغانستانی در ایران که توسط نگارنده این سطور با هدف آشنایی روزنامه‌نگاران ایرانی با فعالیت‌های مطبوعاتی مهاجران افغانستانی در سال ۱۳۸۲ در نمایشگاه بین‌المللی کتاب همزمان با دهمین جشنواره مطبوعات برگزار گردید، کمتر مهاجر و روزنامه‌نگار افغانستانی و ایرانی بود که با چنین حجمی از نشریات آشنا باشد. مهاجران افغانستانی از اینکه می‌دیدند هموطنان خود در گذشته فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه مطبوعات داشته‌اند، احساس شغف و غرور می‌کردند.

از دیگر سو، این نمایشگاه برای روزنامه‌نگاران ایرانی نیز جلوه دیگری داشت، زیرا آنان نیز با علاقه‌ی خاصی نشریات را مورد توجوق قرار می‌دادند و از اینکه طی این سال‌ها از وضعیت مطبوعات مهاجران افغانستانی در ایران غافل بودند، اظهار تأسف می‌کردند. اگرچه نمایش حدود ۱۲۰ عنوان نشریه در این نمایشگاه رقم قابل توجهی به نظر نمی‌رسید، ولیکن همین تعداد نشان از تلاش خستگی‌ناپذیر مهاجران افغانستانی در حوزه مطبوعات داشت که بعنوان کارنامه مطبوعاتی آنان در تاریخ مطبوعات فارسی زبان جهان ثبت خواهد شد.

پانویس‌ها:

\*Mehdi JKH@yahoo.com

۱. این تحقیق تحت عنوان «نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در سراسر جهان (۱۳۵۷-۱۳۸۱)» به کوشش معین‌الدین محرابی و مهدی جعفری خانقاه توسط انتشارات تراوش بزودی منتشر خواهد شد.

۲. باید خاطر نشان ساخت که این بخش از کتاب به همت آقای معین‌الدین محرابی صورت گرفته است.